

ویرده نامه

ولادت امام محمد باقر علیه السلام



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

السَّلامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ

ابعاد علمی امام باقر (علیه السلام)

امام محمد باقر (علیه السلام) در سال ۵۷ هجری در «مدینه» چشم به جهان گشود. نامش محمد و کنیه اش ابوجعفر است و بسیاری از القاب وی اشاره به مقام علمی و معنوی ایشان دارد. این القاب عبارت اند از:

است که خیلی از مخالفان او نیز به این امر اعتراف و اقرار دارند و دانشمندان فراوانی نیز به این امر اعتراف کرده اند که به نمونه هایی اشاره می شود:

۱. ابن حجر هیثمی می گوید: «محمد باقر (علیه السلام) به اندازه ای گنج های پنهان معارف و دانش ها را آشکار ساخته، حقایق و حکمت ها و لطایف دانش ها را بیان کرده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بدسیرت پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده و جامع علوم و برافرازانده پرچم دانش خوانده اند.» (۵)

۲. ابرش کلبی به هشام با اشاره به امام باقر (علیه السلام) گفت: «إِنَّ هَذَا أَعْلَمُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَهَذَا وَلَدُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ به راستی این مرد (محمد باقر (علیه السلام)) داناترین مرد روی زمین است نسبت به آنچه در آسمان ها و زمین می باشد. این فرزند رسول خدا ﷺ است.» (۶)

۳. عبدالله بن عطاء مکی می گوید: «من هرگز دانشمندان [اسلامی] را نزد هیچ کس به اندازه مجلس محمد بن علی (علیه السلام)، [از نظر علمی] حقیر و کوچک ندیدم. من «حکم بن عتیبه» را که در علم و فقه مشهور آفاق بود، دیدم که در خدمت امام باقر (علیه السلام) مانند کودکی در برابر استادش [زانوی ادب بر زمین زده، شیفته او گردیده] بود.» (۷)

و خود حکم بن عتیبه درباره قول خداوند که می فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّمَنْتَوَسَّمِينَ» (۸) می گوید: «وَاللَّهِ مُحَمَّدٌ بُنُّ عَلِيٍّ مِنْهُمْ؛ (۹) به خدا سوگند! محمد بن علی (امام باقر (علیه السلام)) جزو آنهاست.» هشام بن عبدالملک با آنکه از دشمنان سرسخت حضرت بود، خطاب به آن حضرت گفت: «لَا تَزَالُ الْعَرَبُ وَالْعَجَمُ يَسُودُهَا قُرَيْشٌ مَا دَامَ فِيهِمْ

۱. باقر، یعنی شکافنده علوم. در علت نامگذاری به آن می خوانیم: «لُقِبَ بِهِ لِأَنَّهُ بَقَّرَ الْعِلْمَ وَعَرَفَ أَصْلَهُ وَاسْتَنْبَطَ فَرْعَهُ وَتَوَسَّعَ فِيهِ وَالتَّبَقُّرُ التَّوَسُّعُ؛ (۱) [حضرت باقر (علیه السلام)] به لقب باقر یاد شده است؛ چون علم را شکافت و پایه علم را شناخت و فرع آن را استنباط کرد و در آن توسعه داد و تَبَقَّرَ [به معنای] توسعه دادن است.» درباره معنای باقر احتمال دیگری نیز ذکر شده و آن اینکه «لُقِبَ بِهِ لِكَثْرَةِ سُجُودِهِ فَقَدْ بَقَّرَ جَبْهَتَهُ أَي فَتَحَهَا وَوَسَّعَهَا؛ (۲) به او باقر گفته شده، برای زیادی سجده هایش و باز شدن و توسعه پیشانی اش.»

۲. الشبیه، چون شبیه جدش رسول خدا ﷺ بود. (۳)
۳. الامین؛ ۴. هادی؛ صابر؛
شاهد. (۴) معنای هر یک از القاب مذکوره روشن است.

پدر آن حضرت، علی بن الحسین (علیه السلام) و مادر گرامی اش، «ام عبدالله»، دختر امام حسن مجتبی (علیه السلام) می باشد و از این جهت او اولین فردی است که هم از نظر پدر و هم از طرف مادر، فاطمی و علوی بوده است؛ لذا درباره آن حضرت گفته اند: «عَلَوِيٌّ مِنْ عَلَوِيِّينَ وَ فَاطِمِيٌّ مِنْ فَاطِمِيِّينَ وَ هَاشِمِيٌّ مِنْ هَاشِمِيِّينَ.»

اعتراف دیگران به مقام علمی حضرت
مقام علمی حضرت باقر (علیه السلام) آنقدر عظیم و بلند مرتبه

السَّلَامُ عَلَيَّ كَمَا أَهْلُ الْبَيْتِ فِيهِ

امامان دوازده گانه است و «كَانَ الْبَاقِرُ عَالِمًا سَيِّدًا كَبِيرًا»؛ (۱۶) امام باقر (ع) دانشمند و سرور و بزرگوار بوده است.

باقرالعلوم

لقب باقر و شکافنده علوم توسط پیامبر اکرم (ص) به حضرت باقر (ع) داده شده است. این مطلب در روایات بسیاری از طریق شیعه و سنی نقل شده است؛ در منابع شیعه در کتاب هایی مانند: بحارالانوار، رجال کشی، کشف الغمه، امالی صدوق، امالی شیخ طوسی، اختصاص مفید، عیون الاخبار. و در منابع اهل سنت در کتابهای: مرآة الزمان فی تواریخ الاعیان (ج ۵، ص ۷۸)، تاریخ ابن عساکر، غایه الاختصار (ص ۶۴)، تذکره الخواص ابن جوزی (ص ۳۳۷).

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: روزی پیامبر اکرم (ص) به من فرمود: «بعد از من شخصی از خاندان مرا خواهی دید که همنام من و شبیه من است» «وَيُبْقِرُ الْعِلْمَ بَقْرًا؛ علم را می شکافد، شکافتنی [و او درهای دانش را به روی مردم خواهد گشود].»

پیامبر اسلام (ص) زمانی این پیشگویی را کرد که هنوز حضرت باقر (ع) چشم به جهان نگشوده بود. سال ها گذشت تا دوران امامت حضرت سجاد (ع) فرا رسید. روزی جابر از کوچه های مدینه می گذشت، چشمش به حضرت باقر (ع) افتاد. دید درست قیافه و شمایل پیامبر اکرم (ص) را دارد. پرسید: اسم تو چیست؟ گفت: محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام. آنگاه جابر بر پیشانی او بوسه زد و گفت: پدر و مادرم فدایت باد! پدرت، رسول خدا (ص) به تو سلام رسانده است. حضرت باقر (ع) فرمود: «وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ؛ و سلام بر رسول خدا (ص) باد!»

مِثْلِكَ؛ (۱۰) تا زمانی که مثل تو [در علم و مقام] وجود داشته باشد، قریش بر عرب و عجم آقای می کند.» قتاده بن دعامه بصری، یکی از علمای عامه، خطاب به آن حضرت چنین گفت: «من در محضر فقها و در محضر ابن عباس زیاد نشسته ام؛ ولی هیچ جا قلبم مضطرب نشد، جز زمانی که در محضر شما نشستم.» (۱۱)

۶. شمس الدین محمد بن طولون می گوید: ابوجعفر محمد بن زین العابدین...، ملقب به باقر (ع) ... عالم و آقا و بزرگوار بود. او را باقر نامیده اند، چون در علم توسعه ایجاد کرد.» (۱۲)

۷. محمد بن طلحه شافعی می گوید: «او باقرالعلم و شکافنده علوم است و جامع و نشردهنده و بلندکننده پرچم آن است.» (۱۳)

۸. ابن ابی الحدید می گوید: «كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ... سَيِّدُ فَهْمَاءِ الْحِجَازِ وَ مِنْ إِبْنِهِ جَعْفَرٌ تَعَلَّمَ النَّاسَ الْفِقْهَ؛ (۱۴) محمد بن علی علیهما السلام آقای فقهای حجاز بود، و از او و فرزندش، مردم علم فقه را آموختند.»

۹. احمد بن یوسف دمشقی می گوید: «منبع فضائل و افتخارات، امام محمد بن علی باقر (ع) است. او را باقر نامیده اند، چون علم را می شکافد و گفته شده این لقب از کلام رسول خدا (ص) گرفته شده که جابر بن عبدالله انصاری می گوید: پیامبر اکرم (ص) فرمود: در آینده، فرزندی از فرزندان حسنم را می بینی که همنام من است و علم را می شکافد، شکافتنی. هر گاه او را دیدی، سلام مرا به او برسان!» (۱۵)

۱۰. ابن خلکان می گوید: ابوجعفر محمد بن علی... یکی از

السَّلامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ

سنت سیئه توسط خلفای قبلی بنیانگذاری شده بود که براساس آن، گنجینه‌های علمی به یاد مانده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوزانده شد و یا زیر خاک از بین رفت و یا در سینه‌های راویان باقی ماند و نقل آنها به عنوان آرزویی به گور برده شد و ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر احادیث اسلامی وارد آمد و از آن زمان بود که کم‌کم بازار جعل و تحریف احادیث نیز گرم شد.

این وضع تا اواخر قرن اول هجری ادامه یافت؛ یعنی تا زمان به خلافت رسیدن عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱). وی با یک اقدام خردمندانه این بدعت شوم را برداشت و مردم را به نقل و تدوین حدیث تشویق کرد و طی بخشنامه‌ای چنین نوشت: «أَنْظُرُوا حَدِيثَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَكْتُبُوهُ فَإِنِّي خِفْتُ دُرُوسَ الْعِلْمِ وَذَهَابَ أَهْلِهِ»؛ (۱۹) احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را مورد توجه قرار داده [و جمع‌آوری کرده]، بنویسید؛ زیرا بیم آن دارم که دانشمندان و اهل حدیث از دنیا بروند و علم مندرس [و چراغ آن خاموش] گردد.»

امام باقر علیه السلام از این فرصت پیش آمده، به احسن وجه بهره و استفاده برده، شاگردان فراوان تربیت کرد و علوم بی‌شماری را به آنها تعلیم داد که در بخش‌های بعدی به آنها اشاره می‌شود. در اینجا به یک مسئله تاریخی اشاره می‌کنیم:

پایه‌گذار علوم اسلامی

با ممنوعیت نقل و تدوین حدیث توسط خلفا و ادامه آن تا زمان عمر بن عبدالعزیز، این بحث مطرح می‌شود که اولین کسی که کتاب حدیثی و فقهی نوشت، چه کسی بود؟

در این بخش، اهل سنت (با اینکه خلفای آنان نقل و

از این تاریخ به بعد، جابر هر روز، دو نوبت به دیدار او می‌شتافت و مرتب به او می‌گفت: یا باقر! یا باقر! برخی نادانان می‌گفتند: جابر هذیان می‌گوید؛ ولی او می‌گفت: به خدا قسم! هذیان نمی‌گویم. این چیزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من خبر داده است. (۱۷)

در نتیجه، می‌توان گفت بین مورخین از مسلمات است که لقب باقر و شکافنده علوم توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن حضرت داده شده است. (۱۸)

بنیانگذار نهضت علمی

یکی از مهم‌ترین امتیازات امام باقر علیه السلام که زمان، زمینه آن را فراهم کرد، این است که حضرت بنیانگذار انقلاب فرهنگی و نهضت علمی شیعه و بلکه اسلام شمرده می‌شود. هر چند معارف اسلامی و تشیع به دست فرزندش امام صادق علیه السلام انتشار و توسعه یافت و به اوج خود رسید؛ ولی پایه‌گذاری و تأسیس آن با دست با کفایت امام باقر علیه السلام بود.

در دوران امام باقر علیه السلام دولت بنی‌امیه رو به زوال بود و مردم نیز به شدت از آنها تنفر پیدا کرده بودند و وجود فردی همچون عمر بن عبدالعزیز (که خدمت بزرگی به علم و تشیع نمود و ضربه کاری را به پیکر بنی‌امیه وارد کرد) و اختلاف شدیدی که در مملکت اسلامی به وجود آمده بود و در هر گوشه و کناری انقلابی به وقوع پیوسته بود و خلفا به سرعت تغییر می‌کردند. به گونه‌ای که در نوزده سال امامت حضرت باقر علیه السلام پنج خلیفه روی کار آمدند: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، هشام بن عبدالملک. عواملی بود که زمینه و فرصت مناسبی برای نهضت علمی آن حضرت فراهم ساخت. همچنان که می‌دانیم تا زمان عمر بن عبدالعزیز نقل حدیث ممنوع بود و این

السَّكَمُ عَلَى كَمَالِهَا هِيَ لِلنَّبِيِّ

خوبی با بیان احادیث برداشته و سخنان گهربار و نورانی فراوانی در این زمینه بیان کرده است.

در مورد تشویق به فراگیری علم فرمود: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ؛ (۳۲) کمال تمام کمال [در سه چیز]: فهمیدن دین، بردباری بر سختی‌ها و اندازه‌گیری معیشت است.»

آن حضرت درباره روش فراگیری علوم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود: «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِيهِ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَ الْمُعَلِّمِ وَ الْمُسْتَمِعِ وَ الْمُجِيبِ لَهُمْ؛ (۳۳) علم گنجینه‌هایی است و کلید آن پرسش است. پس سؤال کنید! خدا شما را مورد رحمتش قرار دهد؛ زیرا پرسش باعث می‌شود چهار کس اجر برد: پرسشگر، معلم، شنونده و کسی که جواب می‌دهد.»

و در مورد جایگاه با ارزش علما و دانشمندان فرمود: «عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ؛ (۳۴) عالمی که از علمش بهره برده شود، برتر از هزار عابد است.»

و فرمود: «وَاللَّهِ لَمَوْتُ عَالِمٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَوْتِ سَبْعِينَ عَابِدًا؛ (۳۵) به خدا سوگند! مرگ یک عالم در نزد شیطان، محبوب‌تر از مرگ هفتاد عابد است.»

و درباره شرایط فراگیری علم و اخلاص و دنیاگریزی عالم فرمود: «إِنَّ الْفَقِيهَ حَقَّقَ الْفَقِيهَ الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبُ فِي الْآخِرَةِ الْمُتَمَسِّكُ بِسُنَّةِ النَّبِيِّ؛ (۳۶) فقیه حقیقی، فقیهی است که زاهد [و گریزان از] دنیا باشد و مشتاق آخرت، و پیرو سنت نبی ﷺ.» و نیز فرمود: «مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيَبَاهِيَ بِهِ

تدوین حدیث را ممنوع کرده بودند) تلاش دارند که خود را جلودار حدیث و فقه جلوه دهند. جلال‌الدین سیوطی که اصرار دارد پایه‌گذاران علوم اسلامی را جمعی از اهل تسنن معرفی کند، می‌گوید: «نخستین کسی که در فقه کتاب نوشت، ابوحنیفه بود.» (۲۰)

و برخی از خودی‌ها نیز نوشته‌اند که: «نخستین کسی که به امر عمر بن عبدالعزیز احادیث را جمع کرد، محمد بن مسلم بن شهاب زهری بود.» (۲۱)

فعلاً به این نکته کاری نداریم که امثال زهری روایات تحریف شده را جمع‌آوری نموده و از روایاتی که به نحوی به نفع اهل بیت علیهم السلام و شیعه بوده، خودداری کرده است؛ اما این نکته را می‌خواهیم روشن کنیم که پایه‌گذار تمام علوم، امامان شیعه و شیعیان بوده‌اند؛ هر چند دستگاه استبداد حاکم مانع از انتشار و مطرح شدن آن گشته است. شواهد فراوانی نیز بر این ادعا وجود دارد:

امام باقر (ع) و جهاد علمی

برگردیم به بحث اصلی خویش که حضرت باقر (ع) از فرصت پیش آمده بیشترین بهره را برد و جهاد علمی خویش را آغاز کرد. جهاد علمی حضرت در سه بخش قابل تبیین است:

الف) ترغیب به فراگیری علوم

پایه و اساس هر عمل و فعالیت و کاری، اندیشه‌سازی و سالم‌سازی فکر است. اگر بخواهد در جامعه، علم رواج پیدا کند، در گام اول باید درباره اهمیت فراگیری دانش، ارزش و عظمت علما، مراد از فراگیری علم، و آفات آن و... اندیشه‌سازی شود. حضرت باقر (ع) این گام اول را به

السَّلامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِيهِ

نویسنده: حجت الاسلام سید جواد حسینی

پی نوشت ها

۱. عیون الاخبار و فنون الآثار، ص ۲۱۳؛ عمده الطالب، ص ۱۸۳
۲. مرآه الزمان فی التواریخ الاعیان، ج ۵، ص ۷۸
۳. اعلام الهدایه، المجمع العالمی لاهل البیت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ج ۷، ص ۴۱
۴. ر.ک: جنات الخلود، و ناسخ التواریخ، بخش زندگانی امام باقر (ع)؛ اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۴۱
۵. الصواعق المحرقة، قاهره، مکتبه القاهره، دوم، ص ۲۰۱
۶. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۵، ح ۹؛ المناقب، ج ۲، ص ۲۸۶؛ اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۲۱
۷. تذکره الخواص، سبط ابن الجوزی، نجف، ۱۳۸۳ هـ. ق، ص ۳۳۷؛ کشف الغمّه، اربلی، تبریز، ۱۳۸۱ هـ. ق، ص ۳۲۹؛ اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۲۱
۸. حجر، ۷۵
۹. کشف الغمه، ص ۲۱۲؛ اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۲۱
۱۰. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۸۸؛ اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۲۲
۱۱. همان؛ فی رحاب ائمه اهل البیت، ج ۴، ص ۱۰
۱۲. الاثمه الاثنی عشر، ص ۸۱؛ اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۲۲
۱۳. مطالب السؤل، ص ۸۰؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲۹؛ الصواعق المحرقة، ص ۳۰۴
۱۴. المدخل الی موسوعه العتبات المقدسه، ص ۲۰۱ و اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۲۳
۱۵. اخبار الدول، ص ۱۱۱؛ اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۲۳
۱۶. اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۲۴؛ و فیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۴
۱۷. بحار الانوار، ج ۴۶، صص ۲۲۵ - ۲۲۶، ح ۵
۱۸. اعلام الهدایه، ج ۷، ص ۴۱
۱۹. صحیح بخاری، به شرح: کرمانی، بیروت، دار احیاء

الْعُلَمَاءِ أَوْ يَمَارِي بِهِ السُّفَهَاءِ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَلْيَتَّبِعُوهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ، إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا؛ (۳۷) کسی که علم را برای مباهات و بالیدن نزد علما یا مجادله نزد سفها و یا [راهیابی در دل مردم و] جلب توجه مردم به سوی او، فراگیرد، پس نشیمنگاه خود را آتش قرار دهد. به راستی ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.»

و درباره احتیاط و توقف در شبهات فرمود: «الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ وَ تَرْكُكَ حَدِيثًا لَمْ تُرَوْهُ خَيْرٌ مِنْ رِوَايَتِكَ حَدِيثًا لَمْ تُحْصَهُ؛ (۳۸) توقف در نزد شبهه بهتر از فرو رفتن در هلاکت است. رها کردن حدیثی که روایت آن برای ثابت نیست [و از همه جهت روشن نیست]، بهتر است از آنکه حدیثی را که بر آن احاطه نداری، روایت کنی.»

و فرمود: «ما عَلِمْتُمْ فَقُولُوا، وَمَا لَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا: اللَّهُ أَعْلَمُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْتَزِعُ الْآيَةَ الْقُرْآنَ يَخْرُ فِيهَا أَبْعَدَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ (۳۹) آنچه می دانید، بگویید، خدا اعلم است. به راستی مرد آیه ای از قرآن را بیرون می کشد [و به دلخواه معنی می کند و بر اثر آن]، به فاصله دورتر از میان آسمان و زمین [سرنگون می گردد و یا] از معنای حقیقی دور می افتد.»

اینها هر کدام شاه کلیدی است برای راهنمایی علما که چگونه در نقل روایات و علوم دقت داشته باشند.

آن حضرت درباره لزوم احتیاط کامل فرمود: «حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ وَيَقْفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ؛ (۴۰) حق خدا بر بندگان [عالم] آن است که هر چه می دانند، بگویند و در آنچه نمی دانند، دست نگه دارند.»

السلام على سيدنا ابي عبد الله

- التراث، دوم، ج ٢، ص ٦؛ عجاج خطيب السنه قبل ٤٠. همان، ص ٤٣، ج ٧، التدوين، قاهره، دارالفكر، ص ٣٢٩، ٢٠. تأسيس الشيعة، سيد حسن صدر، منشورات الاعلمى، تهران، ٢٩٨١، ٢١. الحديث و درايه الحديث، كاظم مدير شانه چي، دفتر انتشارات اسلامي، سوم، ١٣٦٢ ش، ص ٢٠، ٢٢. شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، بيروت، داراحياء التراث العربي، ج ١، ص ١٧، ٢٣. همان، صص ١٨ - ١٩، ٢٤. همان.
٢٥. ر.ك: تأسيس الشيعة، سيد حسن صدر؛ شيعة پاسخ مي دهد، سيدرضا حسيني نسب، ص ٤٥، ٢٦. وسائل الشيعة، حر عاملي، داراحياء القرآن العربي (٢٠ جلدی)، ج ١، مقدمه. ٢٧. همان. ٢٨. همان. ٢٩. رجال النجاشي، ص ٢٤٢، ٣٠. وسائل الشيعة، ج ١، مقدمه. ٣١. همان. ٣٢. الكافي، كليني، ج ١، ص ٣٢، ج ٤؛ اعلام الهدايه، ج ٧، ص ١٥٤، ٣٣. حليه الاولياء، ج ٣، ص ١٩٢؛ اعلام الهدايه، ج ٧، ص ١٥٥، ٣٤. حليه الاولياء، ج ٣، ص ١٨٣؛ اعلام الهدايه، ج ٧، ص ١٥٥، ٣٥. تذكره الخواص، ص ٣٠٤، ٣٦. الكافي، ج ١، ص ٧٠، ج ٨، ٣٧. همان، ص ٤٧، ج ٦؛ اعلام الهدايه، ج ٧، ص ١٥٥، ٣٨. الكافي، ج ١، ص ٥٠، ج ٩، ٣٩. همان، ص ٤٢، ج ٤،



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْقُرْآنُ كَرِيمٌ
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
وَإِنَّا نَحْنُ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ
الْقُرْآنُ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مُبِينٌ
لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ لَمْ يَرْجِعُوا إِلَى اللَّهِ
أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَوْلَى الْغَنِيُّ
وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيمُ
وَإِنَّا نَحْنُ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ
الْقُرْآنُ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مُبِينٌ
لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ لَمْ يَرْجِعُوا إِلَى اللَّهِ
أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَوْلَى الْغَنِيُّ
وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيمُ